

گواہی

مجموعه مقالات - دفتر اول
محمود آموزگار



محمود آموزگار

در حواشی کتاب

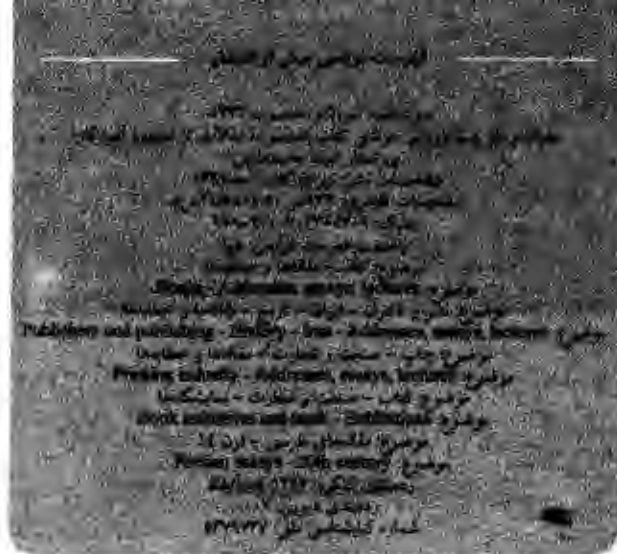
مجموعه مقالات

دفتر اول

۳۰۰



کتاب آمه



کتاب آمه

در حواشی کتاب
مجموعه مقالات
دفتر اول

محمود آموزگار

ویراستار: شیدا محمدطاهر

طراح جلد: پونه سامانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: افلاک

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۳-۵۷-۹

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به نشر «کتاب آمه» و محفوظ است.

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، تقاطع کارگر، پلاک ۳۰۸

تلفن: ۶۶۹۳۹۴۲۵-۰۲۱ فکس: ۶۶۹۰۵۱۰۱-۰۲۱



فهرست

۷	پیش‌گفتار.....
۹	تاریخچه مختصر اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران.....
۱۳	نگاهی به گذشته، چراغ آینده.....
۲۳	از اسطوره تا شاهنامه و فضای بی‌دروپیکر مجازی و باقی قضایا.....
۳۹	نقش کتاب و کتاب‌خوانی در توسعه گردشگری.....
۵۱	شوراهای اسلامی و فرهنگ.....
۵۵	نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و سی‌امین دوره آن.....
۶۵	نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت.....
۷۱	نمایشگاه بین‌المللی کتاب پکن.....
۸۱	نمایشگاه کتاب لندن و روز جهانی کتاب.....
۸۵	نشر ایران و بازار جهانی.....
۹۳	قیمت ثابت کتاب.....
۹۹	پایتخت جهانی کتاب.....
۱۰۵	حقوق مالکیت فکری در ایران.....
۱۱۱	کپی‌رایت در عصر دیجیتال.....
۱۱۷	کپی‌رایت یا حقوق مالکیت ادبی - هنری.....
۱۲۹	از دست‌رفتگان صنعت نشر.....
۱۴۹	تصاویر.....

پیش‌گفتار

هرچند ز کار خود خبردار نه‌ایم بیهوده تماشاگر گلزار نه‌ایم
در حاشیه کتاب چون نقطه شک بیکار نه‌ایم اگر چه در کار نه‌ایم

امروزه، صنعت نشر ما با مسائل و مشکلات متعددی روبه‌رو است. ضرورت آسیب‌شناسی و ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از این موقعیت بر کسی پوشیده نیست و این مهم فقط از طریق بررسی مسائل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، استفاده از تجارب بین‌المللی و تطبیق آن‌ها با مقتضیات بومی ممکن خواهد شد. با توجه به مسئولیت صنفی به مناسبت‌های گوناگون یادداشت‌هایی می‌نوشتیم که در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌شد. علی‌دهباشی پیشنهاد کرد که مقالات و یادداشت‌ها را به صورت مستمر برای بخارا بنویسم و به این ترتیب مقالات این دفتر در مجله بخارا منتشر شد. اتحادیه و نهاد صنفی، کتاب‌خوانی و ترویج آن، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نمایشگاه‌های کتاب فرانکفورت، پکن و لندن، پایتخت کتاب در ایران و جهان، اقتصاد

نشر، قیمت ثابت کتاب و کتابفروشان، حضور نشر ایران در بازار جهانی، یارانه‌های نشر و حقوق مالکیت فکری و به‌ویژه چالش‌های آن در عصر دیجیتال و گرامی‌داشت ازدست‌رفتگان صنعت نشر، موضوع مقالات این دفتر را تشکیل می‌دهند. روزی یکی از همکاران خواست که مقاله‌ای درباره مالیات بر ارزش افزوده بنویسم. پاسخ دادم که نوشته‌ام و در بخارا منتشر شده است. تذکر داد که مخاطب اصلی این مقالات، ناشران و پدیدآورندگان و کتابفروشان هستند و احتمال این که از انتشار آن‌ها اطلاعی داشته باشند، اندک است. بعدها دوستان دیگری نیز ضمن تأکید بر این نکته، تشویق کردند که نسبت به انتشار آن‌ها در قالب کتاب اقدام کنم. بی‌گمان مطالب این دفتر مشاهدات و نظرهای نگارنده‌اند و قاعدتاً از خطاهای احتمالی مصون نیستند. همین قدر که توانسته باشم بر موضوع ضرورت پژوهش و کار تنوریک تأکید کنم، اجر خود را دریافت کرده‌ام. امید است که انتشار این دفتر فتح‌بابی شده و از سوی علاقه‌مندان، پژوهش و انتشار مسائل این حوزه پی گرفته شود. از علی‌دهباشی بابت فرصتی که در اختیار صنعت نشر قرار داد و رضا یکرنگیان که با صبر و حوصله و کاردانی بر من منت نهاد و مقالات را برای انتشار آماده کرد، صمیمانه سپاس گزارم.

محمود آموزگار

تاریخچه مختصر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران (از دوران مشروطه تا امروز)

اختراع ماشین چاپ در قرن پانزدهم میلادی در اروپا امکان تکثیر انبوه نوشته‌ها را فراهم کرد و زمینه‌ساز پیدایش حرفه و پیشه ناشران مدرن شد. در این میان جمهوری ونیز با توجه به ساختار سیاسی و حمایت از آزادی نشر میزبان ناشرانی از سراسر اروپا و از جمله ایتالیا شد، به نحوی که در سال‌های پایانی قرن پانزدهم قریب به ۲۰۰ ناشر در ونیز به فعالیت اشتغال داشتند. در کشور ما نشر به عنوان یک حرفه از سال ۱۲۷۰ هجری شمسی پا به عرصه وجود نهاد و سال‌ها پیش از تأسیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، ناشرانی که کتابفروش هم بودند و کتابفروشان که فقط کتابفروش بودند، گاهی نشست‌هایی با هم داشتند و به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. به روایت جواد اقبال، که خود اصالتاً خوانساری است، رئیس ششمین دوره هیئت مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران (۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷)، روان‌شادان: حاج محمدرحیم خوانساری، حاج علی‌اکبر

خوانساری، حاج محمد مهدی خوانساری، حاج شیخ محمد حسین خوانساری، حاج میرزا محمد خوانساری، حاج شیخ باقر ترقی، حاج محمد حسین و حاج میرزا علی اصغر کاشانی، میرابراهیم مرعشی، میر محمد علی شیرازی، حاج شیخ احمد شیرازی [حاج محمد علی علمی].... از جمله اشخاصی بودند که از سال ۱۲۷۰ هجری شمسی به بعد، به حرفه نشر و چاپ پرداختند. هر چند تاریخ تأسیس اتحادیه ناشران و کتاب فروشان تهران سال ۱۳۳۷ هجری شمسی اعلام شده است، ولی بنا بر شواهد و قرائن بسیار فعالیت های صنفی در میان اهل این پیشه، بسیار زودتر از این ها آغاز شده است. پس از امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار در مرداد سال ۱۲۸۵ هجری شمسی، مجلس موقتی به منظور تدوین نظام نامه انتخابات مجلس شورای ملی در تهران گشایش یافت و نمایندگان این مجلس عمدتاً از بازرگانان، روحانیون و رؤسای اصناف بازار تهران بودند. نظام نامه، انتخاب شوندگان را به شش دسته شاهزادگان، روحانیون، اعیان و اشراف، تجار دارای تجارت خانه معین، مالکان با حداقل هزار تومان دارایی و صنعت گران و پیشه وران از صنوف شناخته شده و دارای مغازه تقسیم می کرد. ۱۵۶ نماینده انتخاب شونده باید قادر به خواندن و نوشتن و تکلم به زبان فارسی می بوده اند. میرزا محمود خوانساری که هم ناشر بود و هم به شغل کتاب فروشی اشتغال داشت و به همین جهت «میرزا محمود خوانساری کتاب فروش» نامیده می شد و در عین حال عالم و فعال و معتمد صنف نیز بود، به نمایندگی از سوی صنف کتاب فروشان تهران به مجلس اول شورای اسلامی راه یافت. به این ترتیب، حرفه و پیشه چاپ و نشر عمدتاً در بازار تهران، تیمچه حاجب الدوله و بازار

بین‌الحرمین بالیدن گرفت. سال‌ها پیش از تأسیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، کتابفروشان گردهمایی‌های دوستانه‌ای داشته‌اند و گفته می‌شود که انجمنی نیز به نام انجمن ناشران و کتابفروشان تهران تأسیس شده بود و نشریه‌ای به نام کتاب ماه نیز منتشر می‌کردند. اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در سال ۱۳۳۷ش رسماً تأسیس شد و آغاز به کار کرد. در اوایل دهه ۵۰، شش شماره نشریه آشنایی با کتاب و هم‌چنین در سال ۱۳۵۱ش به مناسبت پنجمین جشن فرهنگ و هنر، فهرست کتاب‌های منتشرشده ناشران را در دو مجلد و در سال ۱۳۵۲، به مناسبت ششمین جشن فرهنگ و هنر، فهرست کتاب‌های ناشران را در یک مجلد چاپ و منتشر کرد. نکته مهم آن است که انتشارات امیرکبیر در همین فهرست، از تعداد ۶۰ شهر و ۴۳۷ کتابفروشی در این شهرها - به طور میانگین، هر شهر ۷/۲ کتابفروشی - نام برده است که به جز نمایندگی انتشارات امیرکبیر، کتاب‌های سایر ناشران را هم می‌فروختند.

بعد از انقلاب، آقای علی محمدی ارده‌الی از طرف کمیته صنفی امام خمینی(ره) به عنوان سرپرست اتحادیه انتخاب شدند و این، خود موهبتی بود.

سال ۱۳۶۱ش، هفتمین دوره انتخابات هیئت مدیره ناشران و کتابفروشان تهران برگزار شد و تاکنون که سیزدهمین دوره هیئت مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان است، اتحادیه توانسته است نشریه گزارش کتاب را در ۶۷ شماره (با احتساب شماره صفر) و نشریه صنعت نشر را در ۶۶ شماره و یک شماره فصلنامه صنعت نشر را منتشر کند.

نگاهی به گذشته، چراغ آینده

(پذیرش نقد، ترویج فرهنگ)

۱. در آستانه سال ۱۳۹۶ هستیم. مأموریت دولت یازدهم رو به پایان است. طی این دوره، در حوزه نشر و کتاب اقداماتی انجام شد که بر امیدواری‌ها افزود، آگاهی از مشکلات و چالش‌ها فزونی یافت و فرصتی پیش آمد که راه‌حل‌ها نیز تجربه شوند و محک بخورند و زمینه را برای تدوین برنامه جامع نشر و کتاب مهیا کنند. در این یادداشت نگاهی می‌اندازیم به آنچه گذشت و آنچه باید در پیش گرفت. صرف‌نظر از انواع و اقسام نهادهای فرهنگی که هر ساله در قانون بودجه سالانه خودی می‌نمایند، اقدامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بهبود و اصلاح وضعیت نشر و کتاب و کتاب‌خوانی، بدون در نظر گرفتن نقش و مسئولیت سایر نهادها، به‌ویژه در دولت جمهوری اسلامی، تأثیر و فایده کافی را نخواهد داشت. بی‌گمان نمی‌توان تأثیر سیاست‌های تکلیف‌محورانه آموزش و پرورش و مدرک‌محوری آموزش عالی را بر نشر انکار کرد و در

این میان، استفاده عمدتاً نادرست و نابه‌جای یارانه‌ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در پیچیدگی مسیر پیش رو و رفتن به بیراهه نقش به‌سزایی داشته است. در این یادداشت به آنچه گذشته است، نگاهی دوباره می‌اندازیم. تعیین هدف و راه رسیدن به آن، بدون تشخیص درست مسائل و مشکلات ممکن نیست.

۲. تصدی‌گری دولت در حوزه نشر نتایج نادرستی به بار آورده است. پیش از انقلاب اسلامی، دولت‌ها عموماً دخالتی در اقتصاد نشر نداشتند و توسعه نشر در حوزه‌های مختلف اعم از تعداد ناشران، کتاب‌فروشان و شمارگان کتاب از توازنی منطقی برخوردار بود. پس از انقلاب اسلامی دخالت دولت در این امور، هر چند که با انگیزه توسعه نشر و ترویج کتاب‌خوانی انجام شده است، به حکایت آمار و ارقام، منجر به مجموعه‌ای ناهنجار شده است. تبدیل پروانه نشر از یک مدرک تخصصی به جواز مادی، افراد زیادی را به صرافت اخذ پروانه نشر انداخته است. به عبارت دیگر، افزایش کمی ناشران در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت و وعده یارانه و سایر امتیازاتی که دولت برای ناشران در نظر گرفت، در کنار بی‌تفاوتی و عدم توجه به سایر ارکان نشر، اعم از کتاب‌فروشی، توزیع و کتاب‌خانه‌های عمومی وضعیت به‌هنجار نشر را بر هم زده است. اقتصاد مستقل نشر به اقتصادی گل‌خانه‌ای و متکی به دولت تبدیل شد. کتاب‌فروشی که قبلاً توجیه اقتصادی داشت و کتاب‌فروشی‌ها که تعدادشان رو به افزایش بود، از کانون توجه و گردش مالی نشر تا حدود زیادی خارج شدند، به نحوی که بقایشان به لحاظ اقتصادی منطق خود را از دست داد و نه‌تنها شاهد افزایش آن‌ها نبودیم، بلکه از تعدادشان

نیز کاسته شد. مطابق آمارهای خانه کتاب، تعداد کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور که عمدتاً به فروش کتاب می‌پردازند، کمتر از هزار واحد است. توزیع نیز حال و روز بهتری نیافت. شروع به کار نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و تبدیل آن به فروشگاه بزرگ که کتاب‌ها را به اتکای یارانه، تقریباً نیم‌بها به مخاطب عرضه می‌کرد، در شرایطی که کتاب‌فروشی‌ها و سیستم توزیع، امکان بهره‌گیری از یارانه نمایشگاه را نداشتند، عادت خرید کتاب را تغییر داد و سیستم توزیع و کتاب‌فروشی را به شدت تضعیف کرد.

برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در مدت ۱۰ روز از سال و فروش کتاب در آن به اتکای یارانه‌ها، رغبتی در مخاطبان برای مراجعه به کتاب‌فروشی‌ها باقی نمی‌گذاشت و دولت به جای حل این مشکل، برگزاری نمایشگاه‌های استانی طی سال و آن هم به اتکای یارانه را در دستور کار خود قرار داد. از سوی دیگر، تعداد فراوان دارندگان پروانه نشر، عملاً نشر را به سمت و سویی غیرحرفه‌ای رهنمون شده و امروزه حتی در صفحات آگهی روزنامه‌ها نیز ارائه «خدمات نشر» به‌وفور مشاهده می‌شود. ناشران که صرف‌نظر از محتوا، به صورت سفارشی و با دریافت کل هزینه چاپ و مبلغی نیز بابت حق جواز خود مبادرت به چاپ آثار می‌کنند و درباره پخش آن‌ها نیز مسئولیتی به عهده نمی‌گیرند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همین قدر که اثر یادشده با خطوط قرمز اصطکاکی نداشته باشد، مجوز انتشارش را صادر می‌کند. طبق قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وظیفه صدور پروانه نشر به عهده آن وزارت‌خانه است و ناکارآمدی این تصمیم به‌وضوح نمایان شده

است. آخرین آمار خانه کتاب حاکی از آن است که حدود ۵۰۰۰ ناشر در سال حداقل یک عنوان منتشر می‌کنند تا امکان تمديد پروانه‌شان فراهم شود، و البته هستند ناشرانی که اگرچه در سال همین تعداد کتاب منتشر می‌کنند، ولی آثاری که منتشر می‌کنند، باارزش‌اند و به همین لحاظ این تحلیل متوجه ایشان نیست. حفظ پروانه نشر علاوه بر آن که هزینه‌ای ندارد، برای دارنده‌اش مزیت‌هایی نیز دارد.

۳. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران واجد عنوان «بین‌المللی» است و در تقویم جهانی نیز به ثبت رسیده است. بین‌المللی نامیدن نمایشگاه کتاب تهران، انتظاراتی درباره ارتباط با نشر بین‌الملل ایجاد کرده است که در طول سال‌های گذشته این رابطه در سطح ماند و انتظارات را برآورده نکرد. از اولین نمایشگاه، ناشران بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه‌های آکادمیک و دانشگاهی، برای شرکت در این رویداد دعوت شدند و به اتکای یارانه‌های ارزی بازار مناسبی برای فروش محصولات خود یافتند. هر چند که حاصل این اقدام تجهیز کتاب‌خانه‌های دانشگاهی تحت پوشش وزارت خانه‌های علوم و بهداشت به آخرین دستاوردهای علمی بود و با توجه به این که کتاب‌خانه‌های مزبور مشتریان عمده بخش خارجی بودند، معلوم نبود یارانه خرید کتاب‌های خارجی ایشان چرا باید از سهمیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هزینه شود. طی این سال‌ها تعاملی بین ناشران خارج و داخل ایجاد نشد و حضور ناشران خارجی در نمایشگاه کتاب به فروش تعدادی کتاب خلاصه شد. از سوی دیگر، ایران از چند سال پیش حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی را تجربه کرده است. برخی خاصیت این حضور را نمایش فرهنگی ایران تلقی کرده و برخی دیگر نیز تبلیغ نمایشگاه بین‌المللی

کتاب تهران و دعوت از ناشران سایر کشورها به حضور در آن را به عنوان هدف خود تعیین کردند. مسلماً حضور در یک نمایشگاه بین‌المللی فقط به منظور تحقق اهداف پیش‌گفته، با توجه به هزینه‌های گزافی که تحمیل می‌کند، حداقل از منظر اقتصادی توجیه خود را از دست می‌دهد. زیرا با هزینه به مراتب کمتری می‌توان به اهداف یادشده دست یافت. روابط بین‌المللی نباید در خرید تعدادی کتاب خلاصه شود. تعامل با ناشران خارجی و نهادهای بین‌المللی نشر و استفاده از تجارب ایشان و حضور در بازارهای جهانی باید از اهم اهداف نشر کشور باشد.

۴. اما اقدامات دولت یازدهم در این حوزه، به‌رغم کمبود اختیارات و منابع و مزمن شدن ناهنجاری‌های ایجادشده طی سالیان گذشته، علاوه بر تشخیص بیماری و مشکلات در بسیاری از حوزه‌ها تصمیمات اجرایی نیز به دنبال داشت که اجرای آن‌ها و تجربه‌اندوزی از آن‌ها، حوزه نشر را به رسیدن به یک برنامه کلی و جامع امیدوار کرده است. جا دارد که به چند نمونه اشاره شود:

الف) دولت یازدهم در زمینه فاصله گرفتن از تصدی‌گری و سپردن امور به بخش خصوصی و صنوف ذی‌ربط گام‌های مؤثری برداشته است. اداره بخش‌های قابل توجهی از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به تشکلهای نشر سپرده شد. به‌علاوه، تشکلهای نشر و به‌ویژه اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در بسیاری از حوزه‌های نشر امکان دخالت یافتند. ولی بنا به دلایل عدیده، واسپاری تا تکمیل، خود فاصله معناداری داشته و دارد. علاوه بر مخالفت‌هایی که در دولت و به‌ویژه در بدنه آن ملاحظه می‌شود، بررسی شرایط بخش

خصوصی و در رأس آن تشکل‌های نشر، ضرورت انجام یک‌سری اقدامات نرم‌افزاری در کنار تدارک امکانات سخت‌افزاری برای رسیدن به یک تشکل واحد سراسری نشر را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد. در حال حاضر، حوزه نشر فاقد تشکیلات سراسری کتاب و نشر است. اتحادیه‌های صنفی علاوه بر داشتن پایه‌های عمومی و دموکراتیک، به عنوان نهاد عمومی غیردولتی و غیرانتفاعی که براساس انگیزه‌های داوطلبانه به انجام وظیفه می‌پردازند، بهترین الگوی واسپاری در حوزه نشر محسوب می‌شوند. در حال حاضر به جز اتحادیه‌های ناشران و کتاب‌فروشان شهرهای تهران و قم که اولی قدمتی ۵۹ ساله دارد (تأسیس ۱۳۳۷) و دومی اخیراً تشکیل شده است، در سایر شهرها چنین اتحادیه‌هایی موجود نیست و اتحادیه‌های مرتبط عموماً اتحادیه‌های نوشت‌افزار و همگن هستند. در پاکدشت و رامین تنها کتاب‌فروشی شهر جواز کسب خود را از اتحادیه میوه و تره‌بار گرفته است. اتحادیه‌های نوشت‌افزار نیز که همگنی بیشتری در مقایسه با سایر اتحادیه‌ها نسبت به کتاب و نشر دارند، قادر نیستند مطالبات کتاب‌فروشان و ناشران را در چنین اتحادیه‌هایی به‌درستی پی‌گیری کنند. تجربه معافیت مالیاتی کتاب‌فروشان و اجرای آن در این شهرها مصداق بارز این مدعاست. تشکیل اتحادیه‌های استانی و در مواردی که حدنصاب لازم حاصل نمی‌شود، تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای و در نهایت تشکیل اتحادیه سراسری ناشران و کتاب‌فروشان از اهم لوازم واسپاری امور به بخش خصوصی است. بدون آن، بی‌گمان امر واسپاری ابتر می‌ماند و زمینه را برای استفاده‌های بخشی و گروهی از این فرصت فراهم خواهد کرد.

ب) تجربه انتخاب پایتخت کتاب و روستای دوست‌دار کتاب که امسال وارد سومین سال فعالیت خود شده، دستاوردهای فراوانی به همراه داشته است. در وهله نخست شناسایی بضاعت‌های موجود در کشور و بروز امکانات بومی پنهان‌مانده در سایر مناطق، افق جدیدی را پیش روی فعالان این حوزه قرار داده است. توجه به این امکانات و کشف آن‌ها بخشی از راهی است که باید پیمود و به‌درستی از این توانایی‌ها در جهت توسعه و رشد کتاب‌خوانی استفاده کرد. در عین حال فعالان این حوزه باید هم‌زمان به رصد وضعیت مناطق غیربرخوردار و کمتر برخوردار بپردازند و بررسی راه‌های مطلوب ایجاد انس و الفت بین شهروندان این مناطق و کتاب را در دستور کار خود قرار دهند. بی‌گمان نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی در این قسمت می‌تواند نقش مهم و خطیری ایفا کند. در حال حاضر حدود ۳۰۰۰ واحد کتاب‌خانه عمومی در کشور در حال فعالیت است. در بسیاری از شهرهایی که فاقد مؤسسه انتشاراتی و کتاب‌فروشی هستند، کتاب‌خانه عمومی دایر است و با برنامه‌ای جامع و دقیق می‌توان از ظرفیت آن در این جهت بهره برد.

ج) موضوع یارانه‌ها و نحوه مصرف آن از اهم مشکلات حوزه نشر است. بر اهل فن پوشیده نیست که فروش کتاب در نمایشگاه‌ها به اتکای یارانه چه بر سر نشر می‌آورد. مسلماً وضعیت فعلی نشر نیازمند اختصاص یارانه و حمایت و پشتیبانی است. ولی نحوه مصرف آن می‌تواند مسیری را در مقابل حوزه نشر قرار دهد که به مرور نیازش به یارانه کاهش یابد، تا بالاخره بتواند روزی اقتصاد متکی به خود و بی‌نیاز به یارانه را تجربه کند. اختصاص بخشی از یارانه‌ها به مناطق

کمتر برخوردار و محروم به منظور تأسیس بازارهای کتاب‌فروشی، هم از فاصله بین تهران و سایر مناطق می‌کاهد، هم برای تعدادی از جوانان علاقه‌مند ایجاد اشتغال می‌کند و هم دسترسی مردم به کتاب را تسهیل می‌کند و بالاخره موجبات ایجاد یک سیستم توزیع کارآمد و باکفایت را فراهم می‌کند. طرح کتاب‌فروشی به وسعت ایران، عیدانه، تاپستانه و پاییزانه و همچنین امکان مصرف یارانه در ایام نمایشگاه‌های استانی در کتاب‌فروشی‌های آن استان هر چند لازم به نظر می‌رسند، ولی کافی نیستند و البته نباید به آن‌ها به عنوان راه‌حل دائمی اندیشید. این اقدامات می‌توانند تا محو یارانه تداوم یابند و با بهبود و اصلاح روش‌ها این مسیر را کوتاه‌تر کنند.

د) نویسندگی، ترجمه، نشر و سایر فعالیت‌های مرتبط، در تمام جهان هر کدام یک شغل محسوب می‌شود و ضرورت ایجاد بستری امن برای این مشاغل انکارناپذیر است. توجه به حقوق مالکیت ادبی-هنری ضامن امرار معاش صاحبان این مشاغل است. قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان که در سال ۱۳۴۸ تصویب شده است، نیازمند تجدید نظر است. تدوین و ارائه لایحه قانونی جدید مستلزم توجه به داشته‌های بومی در عین استفاده درست از تجربه‌های جهانی است. استفاده از تجربه‌های خارجی، آنگاه سودمند خواهد بود که در تجانس با سنت‌های فرهنگی بومی باشد. به نحوی که ترکیب آن دو پویایی را به حوزه نشر بازگرداند. و بالاخره این‌که مراعات «حق مؤلف» و حفظ حرمت آن بیش از برخوردهای قانونی نیازمند فرهنگ‌سازی است.

ه) بی‌توجهی به دستاوردهای مطرح در عرصه جهانی از جمله استفاده درست از فضای مجازی در حوزه‌های مختلف، مانند تولید کتاب به صورت الکترونیک، صوتی و همچنین استفاده از این فضا برای فروش و پرکردن خلأهای توزیع قطعاً امری خطاست. ولی نباید فراموش کرد که اشکال گوناگون استفاده از فضای مجازی در دنیای امروز، در ادامه نشر چاپی شکل گرفته است. وقتی که کتاب‌های چاپی و دارای مجوز ناشران به صورت غیرقانونی منتشر می‌شوند و در مقابل دیدگان آن‌ها آزادانه به فروش می‌رسند، ترغیب ناشران به روی آوردن به فضای بی‌دروپیکر مجازی نتیجه‌ای نخواهد داشت. در این میان، توجه به آموزش و پژوهش در کنار اقدامات حمایت‌گرانه دولت در فرهنگ‌سازی و اقدامات بازدارنده بی‌شک مؤثر خواهد بود. تفاهم‌نامه اخیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در این جهت امضا شده است و امید است که همکاران ناشر و کتاب‌فروش و توزیع‌کننده از این فرصت به‌درستی استفاده کنند.